

روایت مجید انصاری از شخصیت و راه و روش سردار سلیمانی در گفت وگو با «ایران»

فرمانده وفاق آفرین

گروه سیاسی / مجید انصاری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاون رئیس جمهوری در دولت‌های هشتم و یازدهم از جمله شخصیت‌هایی است که به واسطه هم آستانی بودن با سردار شهید سلیمانی، سابقه آشنایی دیرینه‌ای با او داشته است. انصاری به مناسبت سالگرد شهادت شهید سلیمانی در گفت‌وگو با «ایران» درباره سابقه این آشنایی و همین‌طور شخصیت چندبُعدی سردار سلیمانی توضیح داده و می‌گوید که عدم ورود این شهید به مسائل سیاسی در زمان حیاتش، ریشه در ذکاوت و تحلیل‌های دقیق او و همین‌طور شناخت کاملش از جایگاه و نقش لباس سربازی داشت. انصاری همچنین شهید سلیمانی را شخصیتی فراتر از یک چهره نظامی می‌داند که در تمام برهه‌های فعالیتش پس از انقلاب، توجه ویژه‌ای به‌وجوه اجتماعی کارش داشت و بخشی از اهدافش را با ایجاد همگرایی‌های اجتماعی محقق می‌کرد.

■ **زمینه آشنایی شما با سردار سلیمانی چگونه بود و با توجه به اینکه هم‌استانی هم محسوب می‌شوید، این آشنایی و رفاقت در دوره‌های مختلف چطور پیش رفت؟**

آشنایی من با سردار سلیمانی به سال ۵۸ برمی‌گردد. قبل از انقلاب بنده در شهرستان زرنَد و منطقه پابدانا مشغول فعالیت‌های انقلابی بودم. بلافاصله بعد از انقلاب کمیته‌های انقلاب شکل گرفت و من هم در کمیته منطقه مشغول بودم تا اینکه سپاه پاسداران تأسیس شد و این کمیته را تبدیل به سپاه منطقه کردیم. شهید سلیمانی هم در همان سال ۵۸ وارد سپاه شد و از آنجا آشنایی ما شروع شد. سال ۵۹ بنده نماینده مجلس اول شدم و همین باعث تقویت ارتباط من با مجموعه سپاه استان شد. حتی من وقتی برای سرکنشی به منطقه می‌رفتم چون منزل نداشتم محل استقرار در سپاه بود. اما آغاز جنگ تحمیلی ارتباط ما را با مجموعه سپاه خیلی بیشتر و تنگاتنگ‌تر از قبل کرد و این زمانی بود که شهید سلیمانی هم داشت قابلیت‌ها و توانایی‌های بی‌نظیر خودش را قدم به قدم نشان می‌داد و از یک نیروی معمولی تبدیل به یک فرمانده می‌شد. هر زمان هم که به جبهه می‌رفتم مشخصاً به برادران استان کرمان سر می‌زدم و یکی از افراد ثابت این دیدارها همواره شهید سلیمانی بود که معمولاً همیشه در منطقه حضور داشت. به جز این در جلسات استان هم خود به خود حاج قاسم در گذر زمان به یکی از پایه‌های ثابت تبدیل شده بود. بعد از جنگ هم که ایشان به استان برگشت یک نقش بسیار مهمی در کنترل وضعیت اشراز قاجاچی منطقه جنوب شرق ایفا کرد و در این مقطع ارتباط ایشان با مسئولان اجرایی و شخصیت‌های سیاسی استان بیشتر و جدی‌تر شد. البته این وضعیت پس از حضور ایشان در سپاه قدس تغییر کرد و

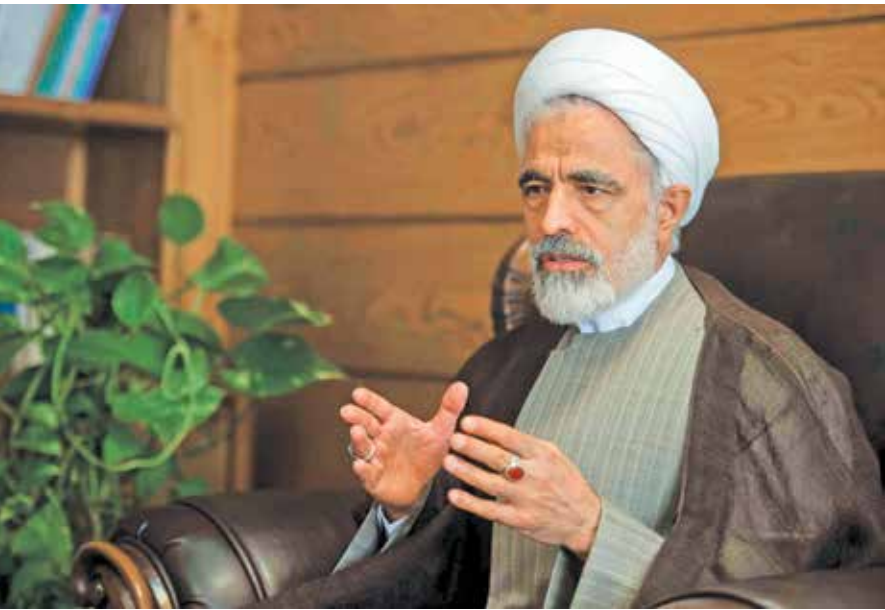
به خاطر عمق درک و شناختی که از مسائل سیاسی داشت، وارد این مسائل نمی‌شد. کما اینکه در عرصه فرهنگی هم همین‌طور بود؛ شما توصیه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی را که این روزها هم زیاد بازنشر می‌شوند درباره نگاه به جوانان و اینکه همه را باید خواهر و برادر خودمان بدانیم، ببینید. این حرف‌ها در فضایی مطرح شده که شاهد هستیم حساسیت‌های منفی نسبت به برخی مسائل فرهنگی خصوصاً درباره قشر جوان در جامعه رو به افزایش است و بسیاری تأکید دارند راه دفاع از ارزش‌های انقلاب، افزایش سختگیری در این حوزه‌هاست. در این فضا یک کسی مثل قاسم سلیمانی است که می‌تواند جای متفاوت از این نقطه بایستد و متفاوت موضع بگیرد و از همدلی بگوید. معنایش این نیست که آن شهید بزرگوار مثلاً نسبت به مسأله حجاب تأثیر نداشت. همیشه دلیلی هم چون دارای دیدگاه قوی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بوده می‌فهمیده که اصل در طرح هر مسأله‌ای در نظر گرفتن مصالح و منافع و اتحاد ملی است و هر راهکاری باید طوری طراحی شود که این سه اصل را تأمین کند.

بنابراین به جای اینکه مثل خیلی‌ها ساده از لزوم تشدید برخورد بگوید، می‌آید می‌گوید آن جوان کم‌حجاب یا بدحجاب هم فرزند ماست و به همین شکل هم در مسائل سیاست داخلی، به هر حال ایشان یک کاریزمایی داشت که کمتر کسی در کشور ما و حتی منطقه از آن برخوردار بود، یعنی نمی‌توانست از این کاریزما به نفع دیدگاه‌های سیاسی‌اش استفاده کند؟ حتماً می‌توانست. اما ارزش کار شهید سلیمانی این بود که می‌فهمید این استفاده سیاسی ارزش لباس سربازی‌اش را خراب می‌کند. این لباس سربازی نباید خرج مسائل سیاسی شود، این لباس برای تأمین یک منافع به مراتب مهم‌تری است. بنابراین شاهد بودیم که ایشان در کشور با همه جناح‌ها، دولت‌ها، مجالس و شخصیت‌ها با هر گرایش سیاسی همکاری می‌کرد و اهل خودی و غیرخودی کردن نبودند.

این در حالی بود که ایشان خصوصاً در سال‌های اخیر از تنورسین‌ها و استراتژیست‌های مهم دیپلماسی کشور بودند و مناسبات سیاسی را بسیار دقیق می‌دانستند و اطلاعات دقیقی از وضعیت منطقه حتی در حوزه اقتصادی داشتند. همین‌طور در سیاست داخلی هم دارای نظرات قابل تأملی بودند اما این توانایی خود را به پای منافع ملی و اتحاد ملی ریختند نه مسائل جناحی. این ویژگی رفتاری شهید سلیمانی حاصل این بود که در کنار داشتن بینش و تحلیل و دیدگاه عمیق سیاسی، شناختی کامل و دقیق و منطقی با منافع ملی از لباس و جایگاه سربازی داشت. همین هم هست که همه گروه‌های سیاسی همواره ایشان را از خودشان و محرم خودشان می‌دانستند. ایشان به‌طور مستمر با موضع بی‌طرفی اما با جهت‌گیری انقلابی عمل می‌کرد و شور و احساسات سیاسی هم بر او تأثیر نداشت. همیشه دلیلی هم در هیچ کدام از بی‌مهری‌هایی که به شخصیت‌های انقلاب مانند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شد نه تنها از سردار سلیمانی کوچکترین نشانه همراهی نمی‌بینید، بلکه شاهد هستیم در اوج آن بی‌مهری‌ها هم، نظر آن شهید نسبت به این شخصیت‌ها عوض نمی‌شد و تحت تأثیر جوسازی‌ها قرار نمی‌گرفت. کما اینکه شاهد بودیم که مثلاً تا آخر ارتباط صمیمانه و نزدیک خود را در تمام برهه‌ها با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشتند و با بسیاری از شخصیت‌های دیگر هم کم و بیش به همین شکل بودند.

■ **به نظر شما چرا ایشان برای ترور توسط آمریکا انتخاب می‌شود؟ به عبارتی شما زمینه عملیات ترور ایشان در دستگاه تصمیم‌گیری کاخ سفید را چه می‌دانید؟**

ببینید حاج قاسم سلیمانی یک شخصیت برجسته بود که ترور او توسط آمریکایی‌ها قطعاً نمی‌تواند فقط یک دلیل داشته باشد؛ به همان شکلی که شخصیت این شهید بزرگوار چند وجهی و دارای ابعاد و کارکردهای مختلفی بود، دلایل آمریکا و ترامپ هم برای ترور او قطعاً چنانکه است.



عکس: سجاد صفری / ایران

یک مسأله، نقش برجسته ایشان در منطقه بود؛ از نظر فکر و ایده و توانمندی نظامی و طراحی اگر نه بی‌نظیر، ولی حتماً کم‌نظیر بود و یک ستون برای نیروهای مقاومت از این حیث محسوب می‌شد؛ از همان دوران جنگ تحمیلی فرماندهی، اهداف نرساند بلکه یک موج عظیم ایشان لشکر ثارالله زبازند بود تا همین اواخر که فرماندهی نیروی قدس را بر عهده داشتند؛ در فاصله بین دفاع مقدس تا فرماندهی نیروی قدس هم که حضور ایشان در جنوب شرق کشور و موفقیت کم‌نظیر در کنترل اشرازو قاجاقچیان آن منطقه، یکی دیگر از صحنه‌های تجلی توانمندی ایشان بود. این مربوط به مقطعی بود که ثامنی اشرار به داخل شهرها رسیده بود و ایشان بود که این وضعیت را کنترل کرد. بنابراین مسأله نقش و توانمندی نظامی ایشان یکی از مسائل است، اما مسأله دیگر شناخت کم‌نظیر ایشان از مسائل اجتماعی و سیاسی و توانمندی او در ایجاد همگرایی‌های اجتماعی و فرهنگی بود. این را شهید سلیمانی همواره در طول برهه‌های مختلف بخوبی نشان داده بود که کاروی رویه کامل شدن گذاشت. دید باز و درستی است؛ در همان دوران مبارزه با اشراز مسلح جنوب شرق کشور، ایشان یک همگرایی عجیب بین طوایف ایجاد کرد و با ارتباط گیری با سران و نیروهای محلی عملاً یک امنیت درون را ایجاد کرد؛ در دوران فرماندهی نیروی قدس هم همین‌طور بود و می‌دیدیم که اتکای ایشان برای مقاومت صرفاً به نیروی نظامی نیست و یک نگاه اجتماعی هم به مسائل و صحنه تحولات دارد. این ویژگی را در کمتر شخصیت نظامی می‌توان سراغ داشت. یعنی هر چا ورود می‌کرد آن شخصیت اجتماعی و فرهنگی او بیش از جنبه‌های نظامی‌اش نمود و حتی کارکرد داشت. پیرو همین ویژگی هم او فردی متفند، مقبول و دارای جایگاه ویژه در قشرهای مختلف نه تنها ایران، بلکه منطقه بود، یعنی همگان به او علاقه داشتند و آدمی بود که می‌توانست اختلاف را حل کند و وفاق بیافریند. کما اینکه در

■ پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۹

■ سال بیست و ششم

■ شماره ۷۵۳۱

مأموریتی که منجر به شهادت ایشان شد هم به‌دنبال همین امر بود. این وفاق یک جایی در سطح سیاسی بود یک جایی در بین گروه‌های اجتماعی. بنابراین شهید سلیمانی یک فرد مرجع در منطقه بود. نکته بعدی شناخت ایشان از مسائل استراتژیک در منطقه نبود. همین‌طور شناخت و ارتباط نزدیک و بی‌نظیری که با شخصیت‌های مختلف داشت خیلی مهم بود. اینها همه ویژگی‌هایی بود که آن شهید داشت و باعث می‌شد تا آمریکا به این نتیجه برسد که از میان برداشتن او به نفعش هست؛ به نظر هم می‌رسد دنبال جریان شکست‌های متضاحانه خودشان هم بودند. مضافاً اینکه به نظر می‌رسید آمریکا می‌خواست با این ترور، جمهوری اسلامی ایران را وادار به یک واکنش حساب نشده بکند و از این رهگذر یک شرارت گسترده‌ای را آغاز بکند که جمهوری اسلامی ایران در این دام نیفتاد و با تدابیر سنجیده و هوشمندانه دهر معظم انقلاب این توطئه به جایی نرسید، یعنی نه تنها شهادت حاج قاسم آنها را به این اهداف نرساند بلکه یک موج عظیم از پشتیبانی اجتماعی در تمام جهان اسلام به نفع جبهه مقاومت ایجاد کرد.

■ **شهادت حاج قاسم سلیمانی و اثرات آن به نظر شما چه پیام‌هایی داشته؟**

■ **به عبارتی اکنون بازنامه فقدان سردار سلیمانی و آن شهادت را در تحولات جاری چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟**

نبودن حاج قاسم سلیمانی بین ما یک ضایعه بزرگ است، اما من معتقدم که رفاقت، ایشان را همان‌طور که از ما گرفت به نحو دیگری هم به ما برگرداند. شهید سلیمانی در زمان حیات پر برکتی که داشت و خصوصاً در سال‌های فرماندهی نیروی قدس، فردی شناخته شده و مورد توجه بود، اما این شناخت کامل نبود، این شناخت به شهادت ایشان از شخصیت، تأثیر و سبک کاروی رویه کامل شدن گذاشت. شهادت واقعاً حق حاج قاسم بود و هیچ مرگی جز این شایسته این مرد بزرگ نبود؛ اما این شهادت خون تازه‌ای در رگ جریان مقاومت شد و منظر من ثمرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عظیمی داشت که هنوز باید زمان بگذرد تا خود را نشان دهد؛ از آن طرف هم پرده از چهره واقعی نظام سلطه برداشت و یک سری واقعیات‌ها را آشکار کرد. شهادت در پی جهاد آگاهانه در طول تمام تاریخ از بنیان‌های اصلی تقویت اسلام و جبهه حق بوده است؛ از شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و جریان عاشورا بگیریم تا همین الان. من معتقدم در دوران معاصر واقعاً کمتر شهادتی را می‌توان مانند شهادت حاج قاسم سلیمانی یافت که این‌طور آگاهی بخش و جریان‌آفرین باشد؛ شک نیست که این شهادت آغازگر تحولاتی در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی است که اثرات آن بعدها خود را نشان خواهد داد.

انتخابات ریاست جمهوری را تصویب کردند. این بندها شامل: عدم محکومیت قطعی مؤثر کفیری، عدم محکومیت به جرائم اقتصادی موضوع بندهای تبصره ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوبه اول اردیبهشت ۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن و جرائم انتخاباتی و موضوع قوانین انتخاباتی و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، اقدام بر ضدنظام جمهوری اسلامی

انتقاد مهاجرانی از واکنش‌های منفی به پیشرفت‌های ایران

«**خبر اول اینکه**، عطاءالله مهاجرانی از برخی واکنش‌های منفی به پیشرفت‌های ایران بویژه در حوزه ساخت واکسن کرونا انتقاد کرد. به گزارش جماران؛ او نوشت: «هر پیشرفتی در ایران، تیم‌های ورزشی و انتشار کتاب و ساخت فیلم و موسیقی و... برخی را در این سوی مرزها آزار می‌دهد. آزاری که با غیظ همراه است. جست‌وجو می‌کنند یک نقطه سیاه در جایی پیدا کنند، تا آرامش پیدا کنند» او در ادامه نوشت: «خبرهای پیشرفت در ابعاد مختلف، پیام اقتدار و ثبات و آینده روشن را به همراه دارد. برخی که منتظر بوده و هستند، نظام جمهوری اسلامی با بحران روبه‌رو شود و انقلاب متوقف شود، با تأسف در جهت تجزیه ملی و سرزمینی ایران می‌کوشند، با خبر هر پیشرفت آزار می‌بینند. به تعبیر قرآن مجید: موتوا بغیظکم» این موضع‌گیری وزیر ارشاد دولت اصلاحات پس از آن بود که روز سه‌شنبه خبر تزریق نخستین دوز از «واکسن کووایران برکت» با واکنش‌های منفی برخی کاربران اجتماعی اغلب منتسب به جریان‌های مخالف نظام مواجه شد.

پیشنهاد نامگذاری یک روز جهانی به نام شهید سلیمانی

«**دست آخر اینکه**، «سرگی بابورین» سیاستمدار مطرح روسیه و نامزد ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۸ میلادی خواستار نامگذاری سوم ژانویه (۱۳ادی ماه) سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی به «روز جهانی مبارزه با تروریسم بین‌المللی» شد. به گزارش ایرنا، بابورین که در وینبا بین‌المللی «نقش سردار سلیمانی در مبارزه با تروریسم بین‌الملل» سخن می‌گفت، افزود: با این نامگذاری خواهیم توانست یاد و خاطره سلیمانی را برای همیشه حفظ کرده و از هر ج و مرج و تروریسم بین‌المللی در جهان جلوگیری کنیم و صادقانه امیدوارم ایران و روسیه در این مسیر برای نامگذاری سالروز ترور سلیمانی به نام روز مبارزه با تروریسم بین‌المللی حرکت کرده و دیگر کشورها هم حمایت کنند. او در ادامه سخانش گفت: قاسم سلیمانی تلاش می‌کرد اخلاق و معنویت نه تنها در ایران و کشورهای اسلامی بلکه در سراسر جهان گسترش پیدا کند. این در حالی است که نصب تصویر سردار سلیمانی در یکی از خیابان‌های غزه خشم صهیونیست‌ها را برانگیخت. به گزارش ایستا، «افایخا ادروی»، سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی در صفحه توئیترش با بیان ادعاهایی واهی علیه شهید سلیمانی به نصب تصویر او در نوار غزه در اولین سالگرد شهادتش واکنش نشان داد و نوشت خود را نسبت به نصب این تابلو ابراز کرد. او در این توئیت به بیلورد بزرگی با تصویر سردار در خیابان الرشید غزه اشاره داشت که با جمله‌ای از اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس همراه بود: «فرمانده شهید قاسم سلیمانی؛ کسی که تمام عمرش را در راه حمایت از مقاومت گذراند. او شهید قدس است.»

جهانگیری: دولت هیچ محدودیتی

برای انتصاب مدیران از جامعه اهل سنت ندارد

اسحاق جهانگیری در جلسه دیدار اعضای فراکسیون اهل سنت مجلس در پاسخ به مطالبه آنها مبنی بر توجه به اقلیت‌ها در انتصاب مدیران کشور گفت: دولت تاکنون افرادی را از جامعه اهل سنت در جایگاه‌هایی همچون فرماندار و سفیر و معاون وزیر منصوب کرده است و از عملکرد آنها نیز رضایت داشته است. دولت به لحاظ اداری هیچ محدودیتی برای انتصاب معاونین وزیر و سایر مدیران از جامعه اهل سنت ندارد.

به گزارش ایرنا؛ معاون اول رئیس جمهوری با تأکید بر ضرورت توجه و رسیدگی به مسائل و مطالبات جامعه اهل سنت گفت: تمام مردم ایران اعم از مذاهب و اقوام مختلف باید از حق و حقوق یکسان متناسب با جایگاه و شایستگی‌های خود برخوردار باشند. جهانگیری سپس با اشاره به پاسخ مقام معظم رهبری به نامه امام جمعه اهل سنت زاهدان درخصوص حق و حقوق جامعه اهل سنت اظهار داشت: مقام معظم رهبری در پاسخ به این نامه تأکید کردند که اهل سنت در برخورداری از حقوق با سایر مردم فرقی ندارند و باید از تمامی امکانات بهره‌مند باشند و همه ارکان جمهوری اسلامی موظفند بر اساس معارف دینی و قانون اساسی هیچ‌گونه تبعیض و نابرابری بین ایرانیان از هر قوم و نژاد و مذهبی روا ندارند.

سیدحسن خمینی: نمی‌توان به بخشی از

وصیت‌نامه امام (ره) مؤمن بود و به بعضی کافر

سیدحسن خمینی با بیان اینکه در مورد وصیتنامه امام خمینی سخن خواهیم گفت، تأکید کرد که «نمی‌توان به بخشی از این وصیت مؤمن باشیم و به قسمتی از آن کافر». به گزارش جماران، سیدحسن خمینی در دیدار با مدیران گزینش کل شهرداری تهران گفت: «نکته امام همواره باید در ذهن ما باشد که میزان حال فعلی افراد است و از

این‌رو، در گزینش سؤالات عجیب و غریب نداشته باشید؛ بلکه بیش از همه باید به حوزه اخلاقی توجه کرد. البته همه این کارها برای این است که انسان‌ها یک گام بهتر شوند.» او با تأکید بر اینکه نباید در جامعه اسلامی نفرت‌پرانی کنیم، اظهار داشت: امروز نباید دست‌هایی جامعه اسلامی را به تفریق و تشتت بکشاند. باید مراقب قیلم و صوت و سخن خود باشیم. نباید از هیچ زبانی، نه زبان هنر و نه زبان‌های دیگر برای ایجاد دشمنی استفاده کرد. همه باید مراقب باشیم به دیگران دشنام ندیم و سخن نرم بگوییم.

تسلیت درگذشت خواهر امام موسی‌صدر

در پی درگذشت سیده منصوره صدر خواهر امام موسی‌صدر و مادر مهسر سیدمحمد خاتمی، شخصیت‌های سیاسی در پیام‌های جداگانه‌ای درگذشت وی را به خاتمی تسلیت گفتند. اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در پیام تسلیت خود به خاتمی با ابراز تأثر درگذشت خواهر ارجمند عالم مجاهد و روحانی روشن ضمیر و روشن‌بین امام موسی‌صدر مصیبت فقدان این بانوی مؤمنه و وارسته را تسلیت گفت. سیدحسن خمینی، محمد جواد ظریف و محمدرضا عارف از جمله دیگر چهره‌هایی بودند که در پیام به سیدمحمد خاتمی درگذشت خواهر امام موسی‌صدر را تسلیت گفتند.

